

برای کتاب «فراموشان» اثر داوود غفارزادگان

تصویری از شام و کوفه و کربلا



الهام قاسمی

خبرنگار

نوشتن داستان درباره شخصیت‌های دینی دشوار است. چراکه نویسنده هم باید به تاریخ و مقدسات و اعتقادات وفادار باشد و هم از مهمترین خصیصه هنر یعنی خیال‌پردازی به حد لزوم و بجا استفاده کند.

«فراموشان» از جمله کتاب‌هایی است که در آن آقای داوود غفارزادگان به خوبی توانسته از عهده این مهم برآید و اثری شاخص در مورد واقعه کربلا خلق کند.

«فراموشان» در شش فصل از خبر مرگ معاویه تا شام غریبان حادثه کربلا را روایت می‌کند. روایتی که براساس فلش‌بک پیش می‌رود و خبری از سیر خطی در داستان نیست. راویان، شخصیت‌های فرعی و بعضاً درجه ۲ و ۳ حادثه کربلا هستند که از همان ابتدا بر موج واقعه سوار شده و براساس اهمیت جایگاه‌شان نقش‌آفرینی می‌کنند. در حقیقت نویسنده از زبان راوی‌ها اطلاعات مستندی از وقایع مرتبط با عاشورا به خواننده ارائه می‌دهد و هر راوی بخش‌هایی از واقعه را چنان روایت می‌کند که گویی آن صحنه در ذهن مخاطب در حال وقوع است.

به جز «زهیربن قیس» که همسرش راوی داستان اوست و عاقبتی بهشتی دارد، بقیه راویان خود بازگوکننده سرنوشت دوزخی خود هستند و

پشیمانی و حسرت و... خویش را ناله می‌کنند.

ضرب‌آهنگ کتاب شیب ملایمی دارد و همان‌گونه که اتفاقات بی‌دری ریخ می‌دهد راویان نیز آنها را جزء به جزء یکی پس از دیگری روایت می‌کنند و این ریتم روایت‌ها سبب می‌شود شاهد شخصیت‌پردازی قوی و عمیقی در داستان باشیم. در هیچ‌یک از روایت‌ها وحدت تصویری نداریم و هریک از راویان براساس نقش و جایگاه و میزان اهمیت و ارتباط خویش با واقعه و از زاویه نگاه خویش یک‌زمان و یک‌گوشه از واقعه را بیان می‌کنند و چالشی بین روایت‌ها اتفاق نمی‌افتد. از نکات خوب اثر این است که نویسنده فصول را از یکدیگر جدا کرده و براساس نام راوی اسمی برای آنها گذاشته است که این امر حکم نقشه و راه برای خواننده و منتقد دارد.

اما نکته بسیار مهمی که در نگارش کتاب رعایت نشده و به طور معمول برای چنین کتاب‌هایی واجب است، ذکر منبع مستند و قوی در پاورقی یا انتهای کتاب است چرا که این کار اعتماد خواننده را به بخش‌های تاریخی بیشتر می‌کند. در فراموشان روایت‌ها محملی از واقعیت دارد و به جرات می‌توان گفت که تخیل در فراموشان محلی از اعراب ندارد و بیشتر و بعضاً همه شخصیت‌ها واقعی هستند و می‌توان در منابع تاریخی به‌ویژه منابع تاریخ اسلام ردپایی از آنها در دل روایات پیدا کرد.

به طور کلی نویسنده با تلاشی ستودنی در ۹۱ صفحه به نگارش رمانی تاریخ - دینی پرداخته است. اوسعی کرده با ارائه تصویری از شام و کوفه و کربلا ما را به دل تاریخ برده و به تفکر وادارد که اگر ما در صحنه کربلا بودیم در کدام صف می‌ایستادیم. این کتاب را انتشارات قدیانی منتشر کرده است.

درباره کتاب «رومی روم» به قلم حسین زحمتکش زنجانی

گره‌های داستانی در پیاده‌روی اربعین



عشق گذاشته‌اند. رومی روم را با چنین ادبیاتی باید به دست گرفت و خواند. کتابی که توسط انتشارات چاپ و نشر بین‌الملل به تازگی روانه بازار نشر شده است.

در بخشی از کتاب آمده است:

«صدایش لرز داشت. انگار سوز سرما به جان حنجره‌اش افتاده بود. گوشی را ول کردم روی میز. عصایم را که تا آن وقت تکیه‌اش داده بودم به پشتی صندلی، برداشتم و به کمک آن بلند شدم. نیم‌تنه‌ام را چرخاندم به طرفش. دست‌هایم را باز کردم و او را به آغوش گرفتم. بدنش گُر گرفته بود، مثل یک تکه آهن گداخته یا یک گلوله پرتاب‌شده از لوله تفنگ، قبل از آن‌که به هدف بنشیند و سینه‌ای را بشکافد، وقتی مگسک آن می‌گوید همه چیز روبه‌راه است، بزن. بزن. بزن. مرد جنگی! بزن که اگر نرنی، می‌خوری. بد هم می‌خوری؛ طوری که شاید حتی ندانی از کجا خورده‌ای. این، رسم روزگارت است؛ روزگاری که خودمان ساخته‌ایم، فقط خودمان، فقط ما آدم‌ها، با همین دست‌ها؛ دست‌هایی که از بی‌عقلی و جاه‌طلبی‌مان فرمان می‌گیرند.»

برگ جدیدی در پیوند میان این دو کشور ورق خورد، چاره‌ای نداریم جز این‌که به اشتراکات آنها نیز اشاره کنیم، وگرنه پیرنگ روایت می‌لغزد و خرده‌پیرنگ‌ها از مسیر خود خارج می‌شوند. این اشتراکات، عبارتند از: جنگ تحمیلی، سازمان منافقین، داعش و پیاده‌روی اربعین؛ یعنی همه آنچه در رومی روم، به زبان داستان به آنها پرداخته شده است.

بنابراین «رومی روم» را از سویی باید داستانی در حوزه دفاع مقدس بدانیم که چهار جبهه موازی، سه تا اصلی و یکی فرعی را دربرمی‌گیرد: جبهه رزمندگان ایران تحت رهبری حضرت امام (ره)، جبهه بعثی‌ها با ریاست صدام حسین، جبهه منافقین که کارشان در روزهای پایانی جنگ به آشکارترین شکل ممکن، به رویارویی مستقیم با ایران می‌کشد و شکست سنگینی می‌خورد و آن جبهه فرعی نیز روایتگر نوع نگاه برخی کردهای عراقی به جنگ ایران و عراق است که برزان آن را نمایندگی می‌کند.

از سوی دیگر، به بهانه حضور برزان در داستان و ماجرای پیچیده‌ای که دارد، پای داعش هم به رمان باز می‌شود و هم او و هم دیگر شخصیت‌های درگیر در ماجرا، مجبور به انتخاب‌های سختی هستند که معلوم نیست اگر ما جای آنها باشیم، چه می‌کنیم و کدام راه را انتخاب می‌کنیم؛ راه‌هایی که هر کدام، سرنوشت چند نفر را تغییر می‌دهد و به‌راحتی نمی‌توان گفت با کدام معیار روان‌شناختی می‌شود آنها را سنجید. قصه در اینجا، قصه برزان است و ابوحنیف و سمیره.

اما هنوز یک روایت دیگر مانده و آن هم پیاده‌روی اربعین است؛ جایی که ظاهراً قرار است همه گره‌های داستان تحت لوای آن باز شود و این نمایش بزرگ مردمی، دوباره معرکه‌ای می‌شود برای تجدیدعهد با سید و سالار شهیدان، حضرت امام حسین (ع). اینجا هم حاج ارسلان و خانواده‌اش و هم برزان و اهل و عیالش، همه در خدمت یک پایان‌بندی پرماجرا قرار می‌گیرند و سرانجام باز هم این پرچم سبز حسینی و پرچم سرخ عاشورا است که بر سر در موکب‌های طریق‌الحسین، برافراشته باقی می‌مانند و از آن بالاتر در حالی که باد تکان‌شان می‌دهد، نظاره‌گر کسانی هستند که با هر نیت و خواهش، قدم در جاده

حاج ارسلان، رزمنده دوران دفاع مقدس که از اول تا آخر جنگ (از ایستگاه هفت آبادان تا عملیات مرصاد)، در صحنه نبرد حضور داشته، الان در اواخر دهه ۹۰ (سال ۱۳۹۸) شصت و چند سال سن دارد و تصمیم می‌گیرد برای برآورده‌کردن نذرش، عازم راهپیمایی اربعین شود.

از دیگر سو نیز کهنه‌سربازی به اسم برزان الخزرجی از رژیم بعث عراق، اکنون توبه کرده و به خدمت زوار امام حسین (ع) درآمده است. زندگی اینها به نوعی در واپسین روزهای جنگ با هم تلاقی پیدا می‌کند. حالا اما در ادامه روایت، جنگ به پایان رسیده و رابطه ایران و عراق ترمیم‌یافته و پیاده‌روی اربعین دوباره احیاء شده است. این، دورنمایی است از آنچه در «رومی روم» می‌گذرد و اتفاقاتی را در دو سوی مرز جغرافیایی ایران و عراق بر رمان تحمیل می‌کند.

«رومی روم» ماجرای درهم‌تنیده است از دو شخصیت ایرانی و عراقی که وجه اشتراک‌شان، حضور در بزرگترین جنگ کلاسیک تاریخ معاصر است؛ جنگی که البته با پیروزی جبهه حق به پایان رسید و ثمرات آن نیز تاکنون ادامه دارد و با توجه به رابطه برادرانه مردمان ایران و عراق که مناسبات مذهبی، فرهنگی و سیاسی نزدیکی با هم دارند، دنیا به چیزی جز این نمی‌تواند شهادت بدهد.

از این دو شخصیت، آن‌که در جبهه ایران است، بسیجی است و آن‌که در جبهه مقابل می‌جنگد، بعثی. تفاوت دو دیدگاه، از زمین تا آسمان است و اتفاقاً این دو هم بار روایت داستان را به‌طور موازی، یکی در میان بردوش می‌کنند.

رمان غیراز دفاع مقدس، گریزی هم به برخی اتفاقات زمانه حال می‌زند؛ به‌ویژه داعش، که سهمی انکارناپذیر به جهت اهمیت در داستان دارد. وقتی از ایران و عراق سخن می‌گوییم و قرار است تاریخی به پهنه ۴۰ سال را روایت کنیم، از سال ۱۳۵۹ که رژیم بعث، تهاجم علیه ایران را آغاز کرد و جنگ به‌طور رسمی شروع شد تا سال ۹۸ که حکومت خودکامه صدام سقوط کرد و

برگ سبز خودرو نیسان پاترول رنگ سفید روغنی مدل ۱۳۷۱ شماره پلاک ۶۸ ایران ۳۹۷ ن ۹۱ شماره شاسی PNV35P111962 شماره موتور P013235Z به نام علی مقدم با کد ملی ۰۰۵۲۰۹۷۲۵۰ شماره شناسنامه ۱۳۱۷ فرزند اسکندر در تاریخ ۱۴۰۱/۰۶/۰۹ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

دفترچه (پروانه) وکالت به شماره ۵۶۳۲ به نام سید کریم میرجوادی با شماره ملی ۲۱۶۱۳۳۸۷۹۱ مربوط به کانون وکلای مرکز مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. از بابت تقاضای می‌شود آن را به کانون وکلای مرکز ارسال نماید.

برگ سبز (شناسنامه مالکیت) خودرو سایپا رنگ سفید روغنی مدل ۱۳۹۷ به شماره پلاک ایران ۱۰-۵۲۸ ص ۱۲ و شماره موتور M15/8520326 شماره شاسی NAS831100J5764551 به نام وحید رشیدی فعلی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز و سند کارخانه خودرو وانت پیکان مدل ۱۳۸۷ به‌رنگ سفید به شماره پلاک ۱۷۳ اق ۲۳ ایران ۷۵ شماره موتور 11285003333 شماره شاسی IN_12172561 به نام سبکینه احمدی با کد ملی ۵۳۶۹۴۸۷۷۱۵ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز خودرو سواری پراید جی تی ایکس به رنگ پشمی متالیک مدل ۱۳۸۳ به شماره پلاک ۳۴ س ۷۸۱ ایران ۶۵ به شماره موتور 00706061 و شماره شاسی S1412283237518 به نام سمیه شعبانی با کد ملی ۵۸۳۹۸۸۷۲۷۷ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز و سندکمیته خودرو بی ام و X3-28۱ مدل ۲۰۱۴ به‌رنگ مشکی متالیک شماره انتظامی ۲۱۱ س ۷۱-ایران ۱۰ شماره موتور N20B20AA1670656 شماره شاسی WBAXW9105E0C83611 به نام امیرحسین دهقان چالستری مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.